

پارا دا ایم حروفی

و

شیخ محمود شبستری

www.ketab.ir

سرشناسه:	محمودی نژادی، محمود، ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور:	پارادایم حروفی و شیخ محمود شبستری/ پژوهش و تألیف محمود محمودی نژاد
مشخصات نشر:	تهران، لوح نگار، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری:	۱۴۴ ص
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۰۹۸۵-۹-۰
وضعیت فهرست نویسی:	فایبا
یادداشت:	کتابنامه، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع:	شبستری، محمود بن عبدالکریم، ۶۸۷-۷۲۰ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع:	حروفی
رده بندی کنگره:	۱۳۸۹ پ ۳/۹/۲۹۰ HP
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۸۷۵
شماره کتابشناسی ملی:	۲۰۷۳۰۷۳

عنوان: پارادایم حروفی و شیخ محمود شبستری

نشر: لوح نگار

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

چاپ: دهکده

صحافی: تیراژه

قیمت: ۳۸۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۹۸۵-۰۹-۰

سال انتشار: تابستان ۱۳۹۰

فهرست مطالب

شماره صفحات	فهرست مطالب
الف	پیشگفتار
۱	مقدمه
۷	فصل اول : نگرش حروفی در گستره ی تاریخ
۹	بخش اول : قبل از اسلام
۱۵	بخش دوم : دوره ی اسلامی
۲۵	بخش سوم : آشنایی با اندیشه های حروفی چند اندیشمند اسلامی
۳۹	فصل دوم : نهضت حروفیه
۴۰	بخش اول : حروفیه ؛ تاریخ ، شخصیت ها ، شاخه ها و تحلیل های ماهوی
۴۱	الف) فضل ا... نعیمی حروفی استرآبادی
۵۰	ب) حروفیه بعد از فضل ا...
۵۲	۱- جنبش پسیخانیان (نقطویان)
۵۴	۲- سوء قصد به جان شاهرخ تیموری
۵۶	۳- نهضت یا جنبش حروفیان در تبریز
۵۷	ج) حروفیه در آناتولی (ترکیه)
۶۲	د) بازماندگان حروفی در ایران
۶۵	بخش دوم : عقاید و اندیشه های حروفیه
۶۶	الف) انسان از دیدگاه حروفیه
۷۴	ب) هستی شناسی حروفیه
۸۰	ج) کد یا نشانه ها در حروفیه

۹۰	بخش اول: شیخ محمود شبستری و گلشن راز
۹۲	بخش دوم: ریشه یابی برخی افکار حروفی در اندیشه های شیخ محمود شبستری
۹۲	الف: در باب انسان شناسی
۹۷	ب: در باب هستی شناسی
۱۰۸	ج: در تاویل و تفسیر هر امری
۱۱۷	منابع
۱۱۹	کتاب و مآخذ شناسی حروفیه و حروفیان
۱۲۹	نمایه اعلام

اسرار خدا به نزد آدم حرف است هم علم خدا به نزد خاتم حرف است
گر ذات و صفات و بود اشیا طلبی از حرف طلب که بود آدم حرف است
(عمادالدین نسیمی)

احتمالاً سال‌ها پیش بود که وقتی فرصتی دست داد تا بر حسب علاقه ام سری به متون ادبیات عرفانی بزنم برای اولین بار با فرقه‌ی حروفیه آشنا شدم، آشنایی که فقط در حد عنوان و مؤسس فرقه و یک سری برداشت‌های ذهنی بود. همان روزها هضم اندیشه‌ها و اصول این فرقه برایم دشوار می‌نمود. این که:

«به عقیده‌ی حروفیان ۲۸ حرف الفبای عربی که آنها را "کلام ملفوظ" می‌گویند، بسیط هستند و مبدأی نخستین و ریشه‌های همه‌ی موجودات ملموس یا غیر مجرد را تشکیل می‌دهند، الحاق آنها به یکدیگر شکل و ماده‌ی جهان محسوس را به ذهن القا می‌کند... و هر چیزی صورتی گویا و روشن از کلمه دارد و کاملترین این صورت‌ها که در عین حال خلاصه‌ی موجودات است "بسمله" است پس "بسم الله الرحمن الرحیم" لب و جوهر مخلوقات و والاترین آنهاست و اگر دستخوش انهدام شود، هستی در طرفه‌العینی نابود می‌گردد. ماده و روح در آخرین مرحله‌ی تحلیل منطقی، ترکیباتی از این حروف - ۲۸ حرف عربی و ۳۲ حرف فارسی - و منبعث از کلمه‌ی مطلق و جاویدان هستند، بنابراین هیچ ذره‌ای نمی‌تواند خارج از ذات والاترین مظهر الوهیت - کلمه - که قدرت مطلقه و فراگیر است قرار گیرد و این نوعی عقیده به وحدت وجود است»^۱ و...

از آن گذشتم و به آشناییم با دیگر طریقت‌ها ادامه دادم تا آن که - اوایل می‌پنداشتم از بد حادثه - برای درس "کشف المحجوب و رساله‌ی قشیریه" مجبور شدم تحقیق و پژوهشی در زمینه‌ی یکی از مسایل مبتلابه عرفان و تصوف انجام دهم. ابتدا نظرم بر پژوهشی روی

۱- رك: انصاری، قاسم، مبانی عرفان و تصوف، انتشارات کتابخانه‌ی طهوری، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۹، تهران، ص ۱۰۲ و ۱۰۳

موضوع "سماع" بود سپس گرایش به موضوع "اندیشه‌ی شهدای راه طریقت" و از آن جمله "حتلاج" یافتم و همین طور موضوعات دیگر یک به یک بر خاطر می‌گذشت و از آن جا که با دیدی وحدت گونه به همه‌ی آنها می‌نگریستم، دچار تردید شدم. در اولین جلسه‌ی درس "منوی گلشن راز" بود که وقتی می‌خواندیم:

توانایی که در یک طرفه‌العین زکاف و نون پدید آورد کونین

(گلشن راز، بیت ۳)

یاد حروفیه افتادم. بیت را قبلاً بسیار شنیده بودم و خیلی معروف بود. روی "کاف و نون" مصرع دوم بود که با استادم - خانم دکتر مدرسی - بحث کردیم.

شب همان روز بود که نجوای درونی مرا واداشت روی این موضوع تمرکز کنم. می‌دانستم موضوع سخت و پیچیده‌ای است. آزموده بودم یکبار، نتوانسته بودم. جلسه‌ی بعد "کشف‌المحجوب..." موضوع حروفیه را به عنوان یکی از سه موضوع پیشنهادی به استادم - آقای دکتر عییدی - نیا - ارایه نمودم بدون آن که شرح و توضیحی بیاورم. ایشان همان نگاه اول مجبورم ساخت همین مشکله را کار کنم. طفره رفتم کار گرنشدم. چاره نبود دنبال منابع شدم و آمدم و اکنون این جایم که "پژوهش"، که چه عرض کنم، مجموعه مطالبی گرد آورده‌ام تنها، و هنوز در اول راهم، اعتراف می‌کنم. نمی‌گویم فرصت اندک بود و منابع کم و پراکنده، ولی صید بسیار بزرگ بود.

در این طریق، دریافتم محققین بسیاری از این بحر عظیم، ماهیان معنی را به دام خرد و علم خویش فراگرد آورده و من شرمسار «از دست کوتاه خود» درویش خرده‌های خان خامه‌ی شیوایشان شدم:

در "حروفیه؛ تاریخ، عقاید و آراء" به قلم پژوهشگر ارجمند آقای روشن خیاوی، حق مطلب به تمامی ادا شده و ناگفته‌ای نمانده مگر وجیزه‌ای که در فصل آخر می‌آید.

آثاری همچون "پژوهشی در اندیشه‌های حروفیه از مجموعه‌ی رسایل حروفی کلمان هوارت" به قلم دکتر رضا توفیق و "فهرست متون حروفیه" از عبدالباقی گولپینارلی که هر دو به صورت ترجمه نشر یافته اند نیز به طور مستقیم به موضوع حاضر پرداخته و زوایای پنهان دیگری

را از این فرقه و نهضت و این نوع نگرش به هستی و انسان و خدا و ... آشکار ساخته اند.

سابق بر آنها و سال ها پیش افراد دیگری با تحلیل های خاصی به این موضوع توجه نموده اند: آقای ابوذر ورداسبی در "نمد پوشان؛ تحلیلی کوتاه از نهضت حروفیه" در نقد تحلیل ماتریالیستی علی میرفطروس از "جنبش حروفیان و نهضت پسیخانیان" و حمید آراسلی، سعی بر نشان دادن جهت گیری اعتقادی، اجتماعی حروفیه در قالب اسلامی داشته است.

در نهایت نیز باید از لایه لای آثار دیگری به مطالب و اسنادی از حروفیان دست یافت: "واژه نامه ی گرگانی" دکتر صادق کیا، "کلیات قاسم انوار" به تصحیح سعید نفیسی، "زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی" با تدوین یدا... جلالی پندری و مقاله ی تقی خمارلو در "سه گفتار پیرامون خلافت نسیمی و جنبش مردم آذربایجان" و ... از آن جمله اند.

با چنین منابع و دسته چینی از گفته ها و ناگفته هایی از آنها و متأسف از عدم دسترسی به آثار گران قدری همچون "حروفیه در تاریخ" به قلم دکتر یعقوب آژند و "آغاز فرقه ی حروفیه" از هلموت ریتز و ...، به تالیف و تدوین و جبره ی حاضر نمودم:

در مقدمه ی کوتاهی که خود می تواند در آمدی بر ورود به موضوع باشد، شمایی کلی از موضوع و آن چه در پیش خواهد آمد به دست داده شده است.

در فصل اول، سیری در گستره ی تاریخ زده شده و نگرش حروفی را از دوران نضج، شکل گیری و تکوین آن به صورت یک پارادایم، در دو بخش قبل و بعد از اسلام پی گرفته و به سده های هشتم و نهم هجری می رسیم که تحت قالب "پارادایم حروفی" به پارادایم مسلط دوره تبدیل می شود.

در فصل دوم به صورت مبسوط به مثالواره ی مهم و تمام قد این پارادایم تحت عنوان "نهضت حروفیه" که گاه با عنوان "فته" نیز از آن یاد می شود، می پردازیم. بررسی پایه گذار فرقه و دیگر شخصیت های آن و تحولات تاریخی آن دوره و نیز مطالعه ی عقاید و اندیشه های حروفیان در دو بخش، اساس کار خواهد بود.

در نهایت، در فصل آخر و در سه باب به بررسی آراء و اندیشه های شیخ محمود شبستری خواهیم پرداخت که به نظر می آید حدود یک سده قبل از حروفیان در تکوین اندیشه های

حروفی و شکل گیری قالب پایدار فکری و علمی مسلط - پارادایم - دوره ی بعد سهم به سزایی داشته است و شاید برای بار نخست باشد که از چنین زاویه ای پژوهش و مطالعه ای صورت گرفته و می توان برای آن نقشی قایل شد.

در آخر این پژوهش نیز سعی شده بخش کوچکی تحت عنوان "کتاب و مآخذشناسی حروفیه و حروفیان" در قالب: کتب، مقالات و رساله های دانشجویی آورده شود که به یقین قابلیت بررسی و تکمیل بیشتر آن وجود دارد.

در پایان بر خود وظیفه می دانم که از اساتید خود، خانم دکتر فاطمه مدرسی و آقای دکتر محمد امیر عیبدی نیا و نیز از ناشر محترم -جناب آقای تیموری- و همه ی دوستان و مشوقین خویش به ویژه جناب آقای محمد حسین پیکانی کمال امتنان و تشکر را بنمایم. امید است که عزیزان و خوانندگان گرامی نواقص کار را به دیده ی اغماض نگریسته، ما را از رهنمودهای خویش بی بهره نسازند.

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل که گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم

محمود محمودی نژادی-۱۳۸۴

آنچه مصطلح و مشهور است، پیروان فضل‌الله حروفی استرآبادی اغلب به نام "حروفیه" مشهورند و آنان را تحت عنوان یک فرقه یا مسلک دینی و حتی مکتبی با خصوصیات انقلابی می‌شناسند که متأثر از شرایط و اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عصر خود بوده و حتی گاه با برجسب الحادی و حتی جنبش ماتریالیستی و... نیز تحلیل و بررسی می‌شوند. به واقع در مقایسه با دیگر فرق و طریقت‌های گوناگون عرصه‌ی تصوف و طریقت، "حروفیه" به حتم پیچیده‌ترین آنها و به قول دکتر رضا توفیق، «غذای روحی بسیار بطنی الهضمی است برای تسکین اشتهای سیری‌ناپذیری که ذهن آدمی را به عبور از حدود آن چه طبیعت بدو تحمیل کرده است وامی‌دارد...»^۱. این امر علاوه بر تحلیل‌های مختلف و بسیاری که از این فرقه و آراء و عقاید آنها می‌شود، از چند جنبه‌ی دیگر نیز مشهود بوده و نمودی بارز دارد به طوری که ما در هیچ یک از فرق دیگر با چنین مسائل نسبتاً جادوی مواجه نیستیم:

۱- تعدّد ریشه‌ها و زمینه‌های فکری و عقیدتی مؤثر بر نضج و شکل یابی آن

۲- وسعت پهنه و جغرافیای نفوذ فکری و فرهنگی آن

۳- پایداری و دوام اصول باورهای اولیه‌ی فرقه تا دوره‌ی اخیر، علی‌رغم محدودیت‌ها و مخالفت‌هایی که با موجودیت آن می‌شد.

نکته‌ی مهمی که باید به آن اشاره شود، تفکیک نگرش حروفی با نهضت حروفیه است و هم چنان که در جای خود توضیح داده خواهد شد، در خواهیم یافت که قبل از اسلام در مکتب فیثاغورث یونانیان، نزد فرقه‌ی یهودی کابالا، در اوستای زرتشتیان و... توجه به اعداد و حروف و اسرار آنها و استفاده به صورت رمز و اخذ معنی و مفهوم گاه مقدس از آنها رواج داشته است.

بعد از اسلام با وجود چنین پیش‌زمینه‌هایی در نواحی تصرف شده - که اغلب غیر عرب و صاحب مدنیّت و نظام فکری مدوّن بودند - و بنابر اهمیت و محوریت کتاب آسمانی اسلام که

۱- توفیق، رضا (مشهور به فیلسوف رضا)، پژوهشی در اندیشه‌های حروفیه، از مجموعه‌ی رسایل فارسی حروفی گردآمده در سال ۱۹۰۹ توسط کلمان هوارت، ترجمه‌ی غلامرضا سمیعی، ۱۳۶۸، ص ۱

جامع و شامل تمامی احکام، دستورات و خط مشی های کلی این دین بوده و از سوی مسلمانان و فرق مختلف آنان ارج و قرب نهاده می شده. ربه عنوان راهنما و کلید گشایش تمامی مشکلات فکری و عقیدتی و... مورد استفاده قرار می گرفت و در این میان آیات دارای حروف مقطعه نیز خود انگیزه و عاملی شد بر توجه و اهمیت بخشی بر تفسیر و رمز گشایی آنها از سوی مسلمانان و مفسرین قرآن و علماء دینی، از این روی بار دیگر حروف و اسرار آن در کانون توجه اندیشمندان قرار گرفت.

از سوی دیگر در بستر تاریخی بعد از اسلام، علومى همچون سیمیا، علوم غریبه و علم جفر شکل گرفت و با عقاید حروفی اشتراکاتی پیدا نمود. از نظر شرایط سیاسی و اجتماعی و حتی عقیدتی نیز بعد از اشعاب فرق اسلامی از هم، تعدادی از فرقه های شیعه قابل به افکاری شدند که ما ادامه ی آن را در جنبش حروفیه سده های نهم و دهم هجری به وضوح می یابیم. مباحث حلول، تاویل آیات قرآن، انسان خدایی، اصالت ۲۸ حرف عربی، اعتقاد به ظهور منجی آخر الزمان و... از آن جمله اند.

در روند تکوینی چنین نگرشی، اندیشمندان و حتی شخصیت های برجسته تاریخ اسلام نظیر منصور حلاج، ابن بابویه، ابن سینا، غزالی، ابن عربی، ابن خلدون و گروه هایی همچون اخوان الصفاء و اسماعیلیان از اسرار اعداد و حروف، سخن ها گفته و در باروری اندیشه ی حروفی نقش بارزی داشته اند. در شرایط و اوضاع نابسامان ایران از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که با حمله ی مغول از سده ی هفتم شروع گشته بود، در سده ی نهم هجری زمینه ی ظهور افکار تند و انقلابی یکی از فرق غلات شیعه تحت نام و پوشش "نهضت حروفیان" و تحت رهبری "فضل... حروفی" که در شعر فارسی "نعمی" تخلص می نموده، فراهم گشت. فضل... که «در آغاز، زندگی زاهدانه و عارفانه ای داشته و در تقوا و پرهیزگاری مشهور بود، تا آنجا که او را حلال خور لقب داده اند... در ۴۰ یا ۴۸ سالگی... ادعا کرد که معنی باطنی و حقیقی حروف و کلمات قرآن به ویژه حروف مقطعه بر او آشکار شده و او همان "من عنده علم الکتاب" است. وی آیات قرآن را با معنی و مفاهیم تازه ای تفسیر می نمود و اساس تفسیرهای

خود را بر اصالت حروف نهاد^۱. دیری نپایید که وی مورد تکفیر عالمان و فقیهان قرار گرفت و به دستور تیمور لنگ و به دست میرانشاه دستگیر و زندانی گردیده و سپس کشته شد و پیروانش نیز مورد تعقیب و آزار و شکنجه قرار گرفتند و آنها که جان بدر بردند به بلاد آسیای صغیر و شامات رفته و مخفیانه به اشاعه ی افکار خود پرداختند.

ویژگی شاخص دیگر نهضت حروفیان علاوه بر افکار ویژه ی آنها، همانا مبارزه جویی با ظلم و ستم دستگاه حکومت تیموری بود که نمود بارز آن واقعه ی سوء قصد ایشان به شاهرخ - واقعه ی احمدلر در هرات بوده است که متعاقب آن بسیاری مورد سوء ظن و شکنجه قرار گرفته و مقدمات کوچ حروفیان از ایران به ترکیه فراهم شد. حروفیان و به خصوص خلفا و جانشینان فضل در ترکیه و شامات به ترویج و گسترش افکار خود پرداختند و توانستند در قالب جدیدی ظاهر شوند.

در مورد اندیشه ها و عقاید حروفیان نیز نظریات و آراء بسیاری از سوی محققین ارایه شده است که در مواردی ناقض هم دیگرند. به استاد آثار و کتب اصلی ایشان و نیز اشعار تنی چند از بزرگان این فرقه، می توان گفت که «این فرقه عقایدی شبیه به اقوال صوفیه داشته اند و برای حروف خواصی عجیب قایل بودند»^۲. اینان حروف را به مانند "اعیان ثابت" ابن عربی، قدیم می دانستند که بسیط بوده و ریشه و منشای همه ی موجودات هستند. ریشه و مبداء و منشاء همه کلمات و حروف نیز در کلمه ی طیبه ی "الله" نهفته است که اسم اعظم نیز هست و "بسم الله الرحمن الرحیم" خلاصه و لب و جوهر مخلوقات است. در این طریقت راه ارجاع همه ی امور و احکام دینی به ۲۸ حرف عربی و ۳۲ حرف فارسی است. به حروف و اعداد، معانی و مفاهیمی داده شده، از حروف به عدد و از اعداد به حروف و از آن پس به رمز و مفهوم باطنی آنها راه برده می شود.

حروفیان به عنوان مسلک و طریقتی ویژه علاوه بر توجه به ابعاد درونی و باطن قرآن، در مورد انسان و جامعه ی انسانی، درباره ی خداوند و انبیاء و اولیاء، همچنین درباره ی رابطه ی

۱ - جمعی از نویسندگان، دایرة المعارف تشیع، جلد ۶، نشر شهید سعید محبی، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۲۴۳ ذیل عنوان حروفیه
 ۲ - جمعی از نویسندگان، دایرة المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، جلد اول (الف - س)، موسسه ی انتشارات فرانکلین، تهران ۱۳۳۵، ص ۸۴۲

انسان و خدا، درباره‌ی هستی و مراتب آن و... نظریات جالب و گاه خاصی دارند که ما از آن تعبیر به جهان بینی حروفی می‌نماییم.

در حالت کلی با توجه به اعتقاد حروفیان به چند مقوله‌ی اساسی نظیر اعتقاد به تاویل آیات قرآنی، قابل شدن به مسئله‌ی حلول و پذیرش اصل وحدت وجودی و... جهان بینی ایشان رنگ و صبغه‌ی ویژه‌ای به خود می‌گیرد، شاید محوری‌ترین آن، نوعی اصالت بخشیدن به انسان و موجودیت آن است. در واقع، انسان در این مسلک قدیم است و متعالی و مقدس و وجودی مطلق دارد. خداوند در جسم انسان حلول کرده و صورتی از خود به آن بخشیده است (انسان خدایی).

حروفیان اهمیت بسیاری نیز بر انتباه و بیداری انسانها و جوامع انسانی می‌دادند و معتقد بودند که انسان به عنوان "مجموعه حق" در هر رویداد و وضعیتی، حقوق اجتماعی و انسانیش مورد تجاوز واقع شده است. از اینرو در جهت استیفای حقوق انسانها بود که ایشان نهضتی عظیم در دوره‌ی خود به راه انداختند.

انبیاء در این طریقت، حلول خداوند هستند در جسم مادیشان، به قول دکتر کامل الشیبی: «منظور حروفیه از آدم فقط انسان نخستین نبود بلکه آن را صورت (حقیقت) الهی که در عالم باقی است دانسته‌اند و از این جاست که سلسله‌ی انبیاء را استمرار مداوم الوهیت در زمین دانسته‌اند»^۱. همین امر را ما به وضوح در ادعای ایشان و به خصوص در ادعای فضل... مبنی بر این که فضل صورت کامل و نخستین و آخرین ایشان از خداست می‌بینیم. فضل در واقع مرآت حق است، خود خداست که در چهره‌ی دیگر انبیاء و اولیا آمده ولی چون اجازت بیان حقایق - حقایق حروف یا نشانه‌های الوهیت - را نداشته، در چهره‌ی فضل... حروفی بازگشته تا نشانه‌های الوهیت را به عیان گذارد چرا که به زعم حروفیان، حتی خود پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: "بعثت لیسان الشریعه لایان الحقیقه". فضل از سویی منجی موعود، مهدی آخرالزمان (عج) نیز هست که ظهور نموده و دستگاه حاکمه‌ی تیموری، لشکر دجال است.

مختصر آن که طریقت حروفیه هم چنان که بسیاری از محققین نیز آورده‌اند فرقه‌ای با

۱ - خیابوی، روشن، حروفیه: تاریخ، عقاید و ارا، نشر آتیه، جاباؤل، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱

آموزه‌هایی سخت و خشک، در کنج خانقاه‌ها و گوشه‌ی زاویه و با آداب و قواعدی خاص نبود. حروفیان نه به عنوان یک قشر اجتماعی بلکه به عنوان موج بیداری انسانهای اجتماع خود در برابر حکومت ظلم و جور وقت و نه در حاشیه و عزلت تشکیلاتی خویش بلکه در متن عرصه‌ی زندگی اجتماعی مردم قرار داشتند و از این روی است که از آن به عنوان "نهضت یا جنبش حروفیان" یاد می‌شود.

ذکر این موارد و آن چه در پیش خواهد آمد نه به معنی تایید افکار و آراء و تصدیق اقدامات ایشان است که حتی به نظر می‌آید بسیاری از اقوال ایشان محل تردید نیز دارند. دکتر رضا توفیق از این هم با را فراتر نهاده، معتقد است که: «برخی از علما و حتی دانشمندان بزرگ مدعی‌اند که مطالعه بر روی عقاید فرقه‌های سخیف و بی‌پایه‌ی عهد قدیم کاری خالی از فایده است اما من به خود جرات می‌دهم که معتقد باشم که مطالعه بر روی اختلال مشاعر کمتر از تحقیق درباره‌ی اختلال کرویّت زمین جالب و لذّت بخش نیست و اینکه از این که سالی از عمر خود را مصروف تحقیق درباره‌ی این مذهب کرده‌ام، متأسف نیستم»^۱.

از این روی، رسالت پژوهش حاضر تنها می‌تواند در بازآفرینی عقاید این طریقت و نیز تحولات تاریخی آن و معرفی اندیشمندان موثر بر نضج و تکوین آن باشد.

۱- توفیق، رضا (مشهور به فیلسوف رضا)، پژوهشی در اندیشه‌های حروفیه، صفحه‌ی آخر